

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

ماجرای دردناک دیگری از قربانیان زندانهای جمهوری اسلامی

شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

یک گزارش دریافتی- پیک ایران : در جریان دستگیری های مربوط به 18 تیر سال 1376، جوان دانشجویی به نام محمد کسرایي نیز دستگیر شد. ایشان تا سال گذشته را در زندان گذراند، و سال گذشته از زندان رهایی یافت.

محمد کسرایي تنها فرزند خانواده بود و پدر ایشان پس از دستگیری و احکام صادره برای فرزند، از شدت ناراحتی سکنه مغزی کرده و فلج شد، و به زندگی روی صندلی چرخدار ادامه می دهد.

زندانی مورد نظر طی سالهای طولانی زندان، شکنجه های جسمی و روحی مأموران رژیم را طاققت نیاورده و مشاعرش را از دست می دهد، و رژیم نیز پس از اطمینان از اینکه این فرد را بطور کامل نابود کرده است، سال گذشته او را آزاد کرد و به میان خانواده اش بازگرداند.

محمد در خانه پدر معلول و مادر خود را مورد آزار و شکنجه قرار می داد و همه ی رفتارهایی را که در زندان با او شده بود را با والدین خود اجرا می کرد. در زمانهای از خود بیخود شدن تکرار کرده که ما با آب جوش سوزانده شدیم، با کمر بند و بوتین کتک خورده ایم و ...

در جریان حملاتی که در این لحظات از خود بیخود شدن انجام داده، چند روز قبل مادر خود را حبس نموده و با کمر بند به جان مادرش افتاده است، در اثر فریادهای طلب کمک مادر همسایگان با شکستن در منزل به کمک ایشان آمده و مادر را به بیمارستان منتقل می کنند، اما پیرزن طاققت نیاورده و در بیمارستان فوت می کند. فرزند مجدداً به زندان منتقل می شود و پدر فلج بی سرپرست و تنها باقی مانده است.

مواضع دولتها، نیروها، شخصیتها و نهادهای سیاسی جهان پیرامون تحولات ایران

اتحادیه اروپا درباره لحن تهدید آمیز علیه اسرائیل، به ایران هشدار داد

شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

خبرگزاری فارس: روزنامه سعودی الوطن نوشت اتحادیه اروپایی به تهران درباره استفاده از لحن تهدید آمیز علیه "تل آویو" هشدار داده است.

روزنامه الوطن در شماره امروز خود نوشت: اتحادیه اروپا به ایران درباره استفاده از لحن تهدید آمیز علیه اسرائیل و تهدید آن به حملات موشکی به نیروگاه هسته ای "دیمونا" با موشک شهاب 3، هشدار داده است.

به نوشته این روزنامه، اتحادیه اروپایی در نامه خود به سفیر ایران در این اتحادیه تاکید کرده است: لحن تهدید آمیز ایران باعث بحرانی شدن اوضاع شده و به اسرائیل فرصت می دهد هر گونه طرح غافلگیر کننده را برای حمله به ایران اجرا کند.

الوطن نوشت: اتحادیه اروپا در این نامه ایران را به تجدید نظر در همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی و توقف طرح های توسعه هسته ای در بوشهر فرا خوانده و اعلام کرده است اتحادیه اروپایی توجیهات تهران را مبنی بر اینکه برنامه هسته ای خود را برای حمایت از ثروت های نفتی و گسترش خطوط تولید انرژی تجهیز می کند، نمی پذیرد.

در این نامه تاکید شده است: اتحادیه اروپایی سفر ماه آینده خاویر سولانا مسئول سیاست خارجه این اتحادیه را به تهران به علت اصرار دولت ایران به پیشبرد برنامه هسته ای خود به تعویق خواهد انداخت هر چند این مساله مانع گفت و گوی مجدد طرفین نخواهد شد و باب گفت و گو همچنان باز است.

الوطن به نقل از یک منبع اروپایی که نامش فاش نشده است، نوشت: تهدیدهای ایران که از زبان محمد باقر ذوالقدر قائم مقام فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مبنی بر حمله به تاسیسات هسته ای اسرائیل در صورت تجاوز هوایی تل آویو بیان شد، حاکی از این است که ایران خطر اسرائیل با حمایت آمریکا به تاسیسات هسته ای خود را درک کرده است.

به گفته این منبع، آمریکا نیز از آنجایی که مطمئن شده است ایران از برنامه های هسته ای خود به آسانی طرف نظر نمی کند، تلویحا به اسرائیل چراغ سبز نشان داده است تا این مأموریت را _ حمله به تاسیسات هسته ای ایران _ انجام دهد.

تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی- آژانس بین المللی انرژی

نظارت بازرسان آژانس بر اجرای تعلیق غنی سازی از سوی ایران

شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

خبرگزاری فارس: بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به صورت مستمر بر تداوم تعلیق غنی سازی از سوی ایران نظارت می‌کنند.
به گزارش خبرگزاری فارس، یک گروه دیگر از بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که پنجشنبه شب وارد ایران شده‌اند، هم اکنون مشغول بازرسی از مراکز مختلف هستند.
بر اساس این گزارش، این بازرسی‌ها بعضاً در راستای مصوبات آژانس انجام می‌شود و بخش‌هایی از آن نیز به بازرسی‌های معمول آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مربوط می‌شود.
نظارت بر اجرای تعلیق غنی سازی از موضوعات مهم این بازرسی‌ها است.
جمهوری اسلامی ایران پس از برخورد سیاسی آژانس و صدور قطعنامه‌ای در جهت تمایلات آمریکا و برخی کشورهای اروپایی اعلام کرد اقدامات داوطلبانه خود را منتفی خواهد کرد.
بر این اساس تعلیق قطعه سازی منتفی و قطعه سازی آغاز شد اما تعلیق غنی سازی همچنان از سوی ایران رعایت شده است.
این گروه از بازرسان که چندین گروه بازرسان آژانس پس از نشست ژوئن شورای حکام هستند، سه‌شنبه شب تهران را ترک خواهند کرد.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

نمایندگان آیت‌الله سیستانی با ارائه دلایلی از تحویل گرفتن کلید حرم حضرت علی (ع) از دست نیروهای مقتدا صدر خودداری کردند.

شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

به گزارش سرویس بین‌الملل ایلنا، گزارش‌ها از نجف حاکی است، نمایندگان آیت‌الله سیستانی عنوان کرده‌اند که چون هنوز بخشی از عناصر سپاه المهدی در حرم حضرت امیر هستند، ما کلید حرم را تحویل نمی‌گیریم.
همچنین این نمایندگان اصرار داشتند اموال حرم صورت برداری شود که موضوع مورد منازعه و اختلاف بین نمایندگان آیت‌الله سیستانی و مقتدا صدر بوده است.
براساس آخرین اخبار از عراق، شهر العماره نیز ملتعب گزارش شده و نظامیان وفادار به مقتدا صدر نیز امروز در شهر العماره لوله‌های نفت را آتش زدند.
مقتدا صدر خطاب به مراجع شیعه: پیشنهاد کردم حرم را تحویل بگیرید، ولی شما نپذیرفتید و شانه از بار این مسئولیت خالی کردید

نمایندگان آیت‌الله سیستانی عنوان کرده‌اند که چون هنوز بخشی از عناصر سپاه المهدی در حرم حضرت امیر هستند، ما کلید حرم را تحویل نمی‌گیریم. همچنین این نمایندگان اصرار داشتند اموال حرم صورت برداری شود که موضوع مورد منازعه و اختلاف بین نمایندگان آیت‌الله سیستانی و مقتدا صدر بوده است.

پایگاه اینترنتی "پیام نیر" در گزارش امروز خود با اشاره به نامه مقتدا صدر خطاب به مراجع شیعه نوشته است: من قبلاً چند بار این پیشنهاد را به شما دادم ولی شما نپذیرفتید و شانه از بار این مسئولیت خالی کردید؛ هدف من از این پیشنهاد این بود که این حرمت به دست قلداران و خیانتکاران نیفتد.
به گزارش سرویس بین‌الملل ایلنا، مقتدا صدر در این نامه که بیشتر به وصیت‌نامه شبیه است، از طرفدارانش خواسته است که کلیدهای بارگاه امام علی (ع) را هر چه سریعتر به مرجعیت شیعه تحویل دهند.

این در حالی است که نمایندگان آیت‌الله سیستانی عنوان کرده‌اند تا زمانی که نیروهای سپاه المهدی در حرم باشند، ما کلید را تحویل نمی‌گیریم.

صدر اضافه کرده است: اخبار منتشر شده در خصوص اینکه وی در عرصه سیاست مشارکت می‌کند، صحت ندارد.

صدر افزوده است: برای من بودن و ماندن زیر سایه بیگانه اصلاً قابل تصور نیست.

فرزند آیت‌الله سید محمد سعید حکیم به شهادت رسید

شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

خبرگزاری فارس: شبکه العالم گزارش داد افراد ناشناس که سید مهدی حکیم فرزند آیت‌الله سید محمد سعید حکیم از مراجع برجسته عراق را ربوده بودند، او را به شهادت رساندند.
مردان مسلح ناشناس روز پنجشنبه هفته گذشته با ورود به منزل سید مهدی حکیم در نجف، وی را به نقطه نامعلومی برده و به شهادت رساندند.
هویت این مردان مسلح هنوز نامشخص مانده است.
فرزند آیت‌الله سید محمد سعید حکیم عضو برجسته مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در نجف بود.

مداخله رژیم ایران در عراق

الوطن ادعا کرد: پلیس عراق ده‌ها ایرانی را در نجف بازداشت کرد

شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

خبرگزاری فارس: روزنامه کویتی "الوطن" به نقل از منابع بلندپایه در دولت موقت عراق ادعا کرد: «نیروهای پلیس عراق با همکاری نیروهای چند ملیتی ده‌ها ایرانی را که در کنار نیروهای ارتش المهدی در نجف می‌جنگیدند، بازداشت کردند.»

الوطن در شماره امروز خود به نقل از آنچه منابع بلندپایه در دولت موقت عراق نامید و نامی از آنها نبرد، مدعی شد: «پلیس عراق با مشارکت نیروهای چند ملیتی در شهر نجف 59 جنگجو در صفوف ارتش المهدی را که تابعیت عرب داشتند به علاوه ده‌ها ایرانی، بازداشت کردند.»

به گفته این منابع، نیروهای آمریکایی 99 غیر عراقی را نیز بازداشت کردند. به ادعای الوطن، طرف‌های عرب و منطقه‌ای در حوادث نجف دست دارند.

این منابع گفتند: «دولت موقت عراق با کشورهای متبوع افراد بازداشت شده در نجف تماس گرفته است.»

الوطن مدعی شد، افراد بازداشت شده از کشورهای سوریه، ایران و اردن و کشورهای آفریقایی و آسیایی، هستند.

به ادعای این منابع، اسناد و اطلاعات از وجود هماهنگی بین گروه‌های مسلح که در شهر فلوجه به همراه ارتش المهدی می‌جنگیدند، حکایت دارد.

الوطن مدعی شد، پلیس عراق جنگجویانی را که در صف ارتش المهدی در شهر فلوجه بر ضد پلیس عراق می‌جنگیدند، بازداشت کرد که برخی از این افراد به ارتکاب جنایات و شکنجه همچون شیوه تروریستی ابو مصعب الزرقاوی علیه پلیس عراق، اعتراف کردند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های امروز صبح تهران: 31 مرداد

بی بی سی - شنبه 31 مرداد 1383 - 21 اوت 2004

روزنامه های امروز صبح تهران بار دیگر خبرهای ضد و نقیض از نجف را در صدر اخبار خود منعکس کرده و از زبان رییس جمهور و امامان جمعه سراسر کشور نسبت به شرایط اماکن مقدس و مردم نجف ابراز نگرانی کرده اند.

همشهری در گزارش اصلی خود از اخبار ضد و نقیض رسیده از نجف سخن گفته و **جمهوری**

اسلامی در سرمقاله خود نوشته است چه نیروهای عراقی و خارجی از نجف خارج شوند و چه همانند گذشته، بر فشار بر مردم نجف ادامه دهند، در اصل ماجرا تفاوتی ایجاد نمی کند و نجف همچنان در کانون یک فاجعه بزرگ انسانی و معنوی قرار دارد.

در همان حال، **آفتاب یزد** از خروج نیروهای تحت رهبری مقتدا صدر از حرم امام علی خبر داده و **هموطن سلام**، روزنامه دیگر صبح، نوشته است که به نظر می رسد سردرگمی مقتدا صدر در اتخاذ شیوه ای عاقلانه برای خروج از بحران به تدریج شمارش معکوس را برای فاجعه ای خونین در نجف اشرف آغاز می کند.

به نظر تحلیلگر این روزنامه حکومت موقت عراق سعی دارد قدرت و توانایی خود را هم به اشغالگران و هم به مردم عراق ثابت کند ولی اگر نتواند این بحران را با موفقیت پشت سر بگذارد، در وضعیت دشواری قرار خواهد گرفت.

در میان روزنامه های صبح اولین روز هفته در تهران، **جمهوری اسلامی** نیروهای پلیس عراق را "نیروهای تحت حمایت آمریکا" خوانده و در دفاع از شبه نظامیان مقتدا صدر، از قیام دلاورانه جوانان شیعه خبر داده است.

جمهوری اسلامی نوشته اگر نیروهای آمریکایی در نجف پیروز شوند ممکن است به تکرار همین اعمال در مکه و مدینه هم وسوسه شوند به ویژه آنکه در ماه های اخیر برای عربستان هم خط و نشان کشیده و نشان داده اند که برای سرزمین حجاز هم نقشه هایی را در سر می پروراند.

در مورد واکنش دولت جمهوری اسلامی به وضعیت نجف، به نوشته **همشهری** رییس جمهوری علاوه بر ارسال نامه ای حاوی تقاضای تشکیل اجلاس اضطراری سران کشورهای اسلامی برای رسیدگی به اوضاع نجف، در مکالمه ای تلفنی از رییس دوره ای سازمان کنفرانس سران اسلامی نیز خواستار راه یابی برای پایان دادن به بحران نجف شده است.

رسالت خبر داده که مردم تهران بعد از نماز جمعه به تظاهراتی علیه آمریکا پرداخته و پرچم های آن کشور را به آتش کشیده اند.

به نوشته **همشهری** خطیب جمعه تهران پیشنهاد کرده که در یک همه پرسی نظر مردم آمریکا درباره اعمال نظامی دولت آمریکا در عراق پرسیده شود.

امامی کاشانی، امام جمعه موقت تهران، گفته است اگر مردم آمریکا رای دادند که راضی هستند، (که به گفته وی البته رای نخواهند داد) وای بر حال این ملت.

آقای امامی کاشانی توضیح داده است که در چنین صورتی، یعنی شما راضی هستید که نماینده شما این همه جنایت بکند.

هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به اوضاع امروز عراق اشاره کرده و گفته است که امروز اشغالگران عراق با شعار مردم و مردم سالاری پیگیری می کنند، ولی ما شک نداریم که آمریکا در جنگ با عراق و افغانستان برای کمک به مردم نیامده است و اهداف خود را دنبال می کند.

اعتماد در گزارش اصلی خود به بررسی روابط ایران و دولت عراق پرداخته و پرسیده تنش در روابط تهران و بغداد تا چه اندازه جدی است؟

در این گزارش، بعد از نقل گفته های مقامات عراقی، از زبان شخصیت های فعال سیاسی آن کشور آمده است که ایران به جای کمک به ملت عراق به تسویه حساب با برخی از عراقی ها در صحنه تحولات این کشور پرداخته است.

به نوشته **اعتماد**، دکتر عبدالخالق حسین پا را از این هم فراتر نهاده و سازمان های بشردوست ایرانی را، که در حال امدادسانی به مردم جنگزده عراق هستند، عوامل اطلاعاتی ایران خوانده است.

آینده پرورنده هسته ای ایران در اجلاس هیات رییس سازمان بین المللی انرژی اتمی و اصلاح سخنان نقل شده از نخست وزیر سابق ژاپن در ایران، که روزنامه های تهران از زبان وی نوشته بودند ژاپن از صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران استقبال می کند، واکنش انتقاد آمیز روزنامه نگاران و نمایندگان محافظه کار مجلس به گفته های رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس درباره راز قتل های زنجیره ای، تصمیم شهرداری تهران به جریمه کردن ساختمان های نیمه تمام شهر از جمله اخباری است که روزنامه های صبح امروز به آن اهمیت داده اند.

در زمینه مسایل اقتصادی، روزنامه های **دنیای اقتصاد** و **حیات نو** افزایش باورنکردنی بهای نفت در بازار های جهانی و نزدیک شدن آن به رقم بی سابقه ۵۰ دلار را در صدر اخبار خود آورده اند.

کوناگون

به یاد حیدر رقابی و حسن گل نراقی

نصرت الله حدادی: شرق - یکشنبه اول شهریور ۱۳۸۳ - ۲۲ اوت ۲۰۰۴

در پاییز سال ۱۳۳۳ در تهران «شایع شده بود که شعر «مرا بیوس» را سرهنگ مبشری ۱ یا سرهنگ سیامک ۲ از اعضای سازمان افسران حزب توده، قبل از اعدام در روز ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ سروده اند و از آنجا که شعر بلند «مرا بیوس» حاوی اشعار ملی و وطنی بود، هواداران این حزب در داخل و عوامل آن در خارج از کشور، به این شایعه دامن زدند تا بیش از پیش اسباب مظلوم نمایی خود و رسوایی نظام پهلوی دوم را فراهم آورند.

سازمان افسران حزب توده که از بقایای «افسران خراسان» شکل گرفته بود، بانفوذ گسترده در ارتش امکان هرگونه عکس العملی را در ۲۸ مرداد داشت، اما معلوم نشد چرا هیچ واکنشی را از خود نشان نداد و «سکوت روس ها» در قبال کودتای ۲۸ مرداد با این عدم تحرك معنا و مفهوم خاصی یافت و با تحویل یازده تن طلا به دولت زاهدی ثابت شد، روس ها نیز به رغم آن همه سروصدا، تا به کجا حامی و هوادار دولت های ملی و مردمی بودند. قبل از آنکه به چگونگی سوءاستفاده از این ترانه بپردازم، بهتر است نگاهی داشته باشیم به چگونگی شکل گیری و اجرای این ترانه و تاریخ دقیق سرودن آن و همچنین شخصیت و عقاید مرحوم حیدر رقابی، و همچنین حسن گل نراقی.

مرحوم حیدر رقابی، فرزند مرحوم رمضان رقابی، از منسوبین زنده یاد حاج حسن شمشیری، از یاران وفادار دکتر محمد مصدق بود. حاج حسن شمشیری در ضلع جنوب شرقی سبزه میدان، صاحب يك رستوران چلوکبابی بود و از آنجا که به همراه بازاریان مشهور آن روزگار _ همچون حاج محمود مانیان، لباسچی و ... - به حمایت دولت دکتر مصدق برخاسته بود، بسیاری از سیاسیون آن روزگار با او مراوده داشتند و مرحوم رمضان رقابی به عنوان «دخل دار» چلوکبابی شمشیری، مشغول به کار بود و با آنان آشنایی داشت. مرحوم شمشیری شوهر خاله حیدر رقابی بود و رقابی همراه با شمشیری از دولت مصدق حمایت می کرد.

مرحوم حیدر رقابی با تخلص «هاله» برای نخستین بار شعر مرا بیوس را در مجموعه «آسمان اشك» در سال ۱۳۳۹ به چاپ رساند. (این گفته در ادامه مورد بررسی بیشتری قرار می گیرد.) عبدالرحیم جعفری، مدیر وقت انتشارات امیرکبیر و ناشر کتاب فوق می گوید: «اوایل سال ۱۳۳۹ در کورن مبارزات مردم و دولت و احزاب چپ و راست با جوان پرشوری آشنا شدم به نام حیدرعلی رقابی متخلص به «هاله» ... از خویشان بیژن ترقی فرزند حاج محمدعلی ترقی مدیر کتابفروشی خیام. ملی گرایی بود شوریده و شیفته دکتر محمد مصدق. جوانی بود فروتن و مومن و معتقد و در مبارزات ملی سخت فعال.

دفتر شعری داشت که آن را در هزار نسخه به نام «آسمان اشك» چاپ کردم. در این دفتر قطعه شعری بود با عنوان «مرا بیوس» که بعد ها مجید وفادار، ویولنیست معروف برای این شعر آهنگی ساخت و پرویز یاحقی با ویولن و حسن گل نراقی با صدای مخملی خود در رادیو ایران آن را اجرا کردند که اقبال عام یافت و برحسب خواهش شنوندگان به دفعات از رادیو ایران پخش شد.» در تایید گفته نویسنده

«در جست وجوی صبح» پرویز خطیبی در کتاب خود می گوید: مجید و حمید وفادار، برای اولین بار ترانه «مرا بیوس» را در اختیار خانم «پروانه» قرار دادند تا بخواند. «... آهنگ مرا بیوس ... هیچ کس را نگرفت و صدایی به تحسین بلند نشد و آهنگ با آن همه زیبایی و تازگی می رفت تا بیوسد و خاك شود. مدت ها گذشت، همکاری وفادار و پروانه قطع شد، اما مجید به دنبال خواننده ای بود که بتواند مرا بیوس را دوباره بخواند. او می دانست که آهنگ روی صدای پروانه ننشسته و همین سبب عدم موفقیت آن شده است.»^۴

چنانچه نوشته های جعفری و خطیبی را بپذیریم، باید بیژن ترقی و مرحوم رقابی دچار اشتباه شده باشند؛ بیژن ترقی درباره نسبت خود با رقابی و همچنین چگونگی سرودن شعر و اجرای «مرا بیوس» می گوید: «ما دو کودک هم سن و سال بودیم که از آغاز طفولیت اکثراً در خانه پدربزرگ، یکدیگر را ملاقات می کردیم. مادرانمان دخترعمو بودند... او از آنجا که طبعی حماسی و مبارزه جو داشت، به زودی در ردیف طرفداران دکتر مصدق و حزب جبهه ملی درآمد، پیوسته در کنار سیاسیون، استعداد شاعری را به کار منظومه های وطنی و حماسی گرفته، با شور و هیجان در میتینگ ها با صدایی رسا و کلماتی آتشین اشعار خود را از پشت بلند گو ها به گوش هم زمان خود می رساند. آن زمانی که مصدق را در فشار های سیاسی انداخته بودند در جلوی گروه مصدقیان فریاد می زد:

باز هم توده ای دق کند دق / باز هم زنده دکتر مصدق / از چه باشی ز بیگانه دلخوش / مرگ بر پرچم داس و چکش

او جوانی شجاع و رشید و موجودی پاك و بی شائبه بود، چنان که با رها به علت احساسات تند یکه و تنها درصدد به هم ریختن بساط مخالفین برمی آمد، به همین جهت به دفعات مکرر، مجروح و خونین راهی بیمارستان می شد، ولی دست از مبارزه نمی کشید. بالاخره با بروز وقایع ۲۸ مرداد از آنجا که در جست و جو و دستگیری او بودند، به ناگزیر ما او را در خانه شمیران که تابستان ها به آنجا می رفتیم مخفی کرده، ولی با شورای خانوادگی و پشتیبانی حسن شمشیری شوهرخاله او، او را مخفیانه از تهران دور کرده، در حالی که بیش از ۲۰ سال نداشت راهی کشور آلمان شد.^۵

چنانچه قبول کنیم در سال ۱۳۳۲ مرحوم رقابی ۲۰ سال داشت، پس باید در ۱۵ یا ۱۶ سالگی شعر مرا بیوس را سروده باشد و اگر این موضوع صحت نداشته باشد، به مسئله غامضی برخورد می کنیم. مرحوم رقابی در کتاب «شاعر شهر شما» ۶ تاریخ سرودن شعر «مرا بیوس» را آذرماه ۱۳۳۳ اعلام می دارد و با توجه به گفته بیژن ترقی، نوشته های جعفری و خطیبی جای سوال دارد. ترقی می گوید: «شب قبل از حرکت از تهران، جهت خداحافظی مخفیانه به منزل استاد مجید وفادار موسیقیدان مشهور و دوست هنرمند خود می رود؛ مرحوم وفادار آهنگ جدیدی را که ساخته بوده، برای او می نوازد.

او همان شب شعر زیبا و حماسی «مرا بیوس» را که یکی از شاهکارهای ترانه سرایی در زمینه اشعار وطنی است و حاوی مضامین پرشور و حال او که در شب جدایی از وطن و خداحافظی از نامزد دانشگاهی خود بوده، می سراید. این ترانه از دل برخاسته که شاعر هنگام وداع به یاران خود پیام برافروختن آتش ها در کوهستان ها را می دهد، از چنان کلمات آتشین و مضامین پراحساس مایه ور است که در تاریخ سروده های میهنی بی نظیر و جاودان خواهد ماند.^۷

برای رفع این معضل با بیژن ترقی تماس گرفتیم. او با اطمینان گفت: رقابی يك سال مخفی بود و در نیمه دوم سال ۱۳۳۳ به صورت غیرقانونی و مخفیانه از کشور خارج شد و شعر را در آخرین روز های اقامت خود سروده بود و یا همان شب در ملاقات با وفادار سرود و مضامین آن موید این گفته است. پاسخ بیژن ترقی را به عبدالرحیم جعفری منتقل کردم. گفت: من مطمئن هستم که در کتاب «آسمان اشك» شعر «مرا بیوس» را به چاپ رسانده بودم و تیراژ يك هزار نسخه ای آن، سال ها طول کشید تا به فروش رسید. کلید حل معما، دسترسی به کتاب «آسمان اشك» بود.

به كمك دوست عزیز، آقای مسعود رضوی مشکل قدری برطرف شد. ایشان چاپ دوم کتاب را که در سال ۱۳۳۳ چاپ شده بود در اختیار داشتند. مشخصات ظاهری کتاب ۱۲۷ صفحه در قطع رقعی همراه با عکس مرحوم رقابی است و کتاب فاقد شعر «مرا بیوس» است و برای نخستین بار در سال ۱۳۲۹ به مقدمه سعید نفیسی به چاپ رسیده است و تاریخ نوشتن مقدمه مربوط به سال ۱۳۲۸ است. احتمال حذف شعر «مرا بیوس» بعد از کودتا بسیار ضعیف است، چرا که شعر به اشتها کافی رسیده بود، و چهره جوان رقابی برای عده ای آشنا بود و با چاپ عکس او مردم با این چهره موثر و آرام آشنا شده بودند.

موضوع را با آقای عبدالرحیم جعفری در میان گذاشتم و تاکید کردم بعید است در چاپ اول کتاب «آسمان اشك» این شعر به چاپ رسیده باشد. ایشان فرمودند: بعید نیست، شاید من اشتباه کرده

باشم. به هر رو، تا اینجا ثابت شد که شعر به مرحوم حیدر رقابی تعلق داشته است؛ او می گوید: «من در ایران نبودم و پاره ای کوشیدند تا در غیاب من «مرا بیوس» را به نام دیگران قلمداد کرده از آن ناجوانمردانه بهره تبلیغاتی بگیرند! اما روان آگاه ملت، گوینده سرگردان «مرا بیوس» را شناخت و دروغ های فریب انگیز این گروه تبلیغاتی را نپذیرفت.» ۸ حال به دنبال آن بگردیم تا بدانیم به چه علت شایعه انتساب این شعر به سازمان افسران حزب توده قوت گرفت و تا حد زیادی در افکار عامه پذیرفته شد.

یک سال پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ عوامل کودتا، هم چنان درصدد شکار عوامل مخالف کودتا، دولت پهلوی و اعضای حزب توده بودند، چه اینکه دکتر حسین فاطمی نیز دستگیر نشده بود و برخی از شواهد و قرائن نشانگر آن بود که عوامل حزب توده در بسیاری از مراکز و دوایر دولتی، و از جمله ارتش نفوذ گسترده ای دارند و برخی از مدارک ارائه شده از سوی مصدق در دادگاه می توانست از سوی عوامل نفوذی در اختیار او گذاشته شده باشد و با توجه به آنکه دکتر فاطمی نیز به وسیله عوامل این حزب مخفی شده بود، فرماندار نظامی تهران، به شدت به دنبال عوامل حزب توده بود و در روز ۲۱ مرداد سال ۱۳۳۲ با دستگیری ابوالحسن عباسی، سروان اخراجی ارتش و دوست نزدیک خسرو روزبه، اطلاعات لازم به دست عوامل فرمانداری نظامی به سرکردگی تیمور بختیار افتاد و تمامی عوامل سازمان افسران حزب توده _ به جز عده ای انگشت شمار _ بازداشت شدند و به اشکال گوناگون به مجازات رسیدند.

ابوالحسن عباسی، عضو هیات اجراییه سازمان افسران حزب توده، در خیابان جمال الحق با بقچه و چمدانی پر از اسناد و مدارک دستگیر و به کلانتری پنج منتقل شد. در بقچه و چمدان وی بسیاری از مدارک حزب و اعلامیه های ضد رژیم وجود داشت و به کمک آنها، دستگیری گسترده ای آغاز شد و با توجه به سابقه عباسی در عضویت سازمان افسران و اشراف او بر تمامی ابعاد این سازمان نظامی، و آشنایی با ۲۰۰ تا ۶۰۰ نفر از افسران عضو و تعلق سازمان مرکزی حزب توده، به رغم مقاومت عباسی، سرانجام او در دوم شهریور، ۱۳۳۲ پس از دوازده شبانه روز تحمل شکنجه، تمامی اطلاعات خود را بروز داد و در سوم شهریور، سرهنگ زاندارمری عزت الله سیامک، سرهنگ دوم توپخانه محمدعلی مبشری و سرگرد پیاده جعفر وکیللی در محل کار خود دستگیر شدند و در پی آن تمامی اعضا شناسایی و نسبت به دستگیری آنها اقدام شد. در یک محاکمه نسبتاً سریع و صحرایی در ۲۷ مهرماه سال ۱۳۳۳ نخستین گروه از افسران حزب توده که شامل ۱۰ نفر افسر، سروان، ستوان و غیرنظامی مهندس بودند به جوخه اعدام سپرده شدند و سرهنگ سیامک و سرهنگ مبشری در این گروه جا داشتند.

دومین گروه که شامل ۶ نفر بودند در هشتم آبان ۳۳ به میدان تیر فرستاده شدند و در هفدهمین روز همین ماه، ۵ نفر دیگر اعدام شدند و سرانجام در ۲۶ مردادماه سال ۱۳۳۴ با اعدام ۶ نفر، اعدام ها در ظاهر امر پایان یافت و با تبعید و زندانی کردن ده ها افسر و نظامی دیگر، و دستگیری خسرو روزبه در ۱۵ تیرماه، ۱۳۳۶ سازمان افسران حزب توده در آن زمان به طور کلی متلاشی شد و از بین رفت و فعالیت آن در اولین سال های انقلاب به گونه ای دیگر آغاز شد و با اعدام ناخدا افضلی و چند نظامی دیگر برای همیشه به پایان رسید. ۹. تقارن اعدام اولین گروه افسران حزب توده در ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ با سرودن ترانه «مرا بیوس» در آذرماه، ۱۳۳۳ و مخفی کاری حسن گل نراقی، موجب شد تا این شایعه بیش از پیش قوت گیرد.

پرویز خطیبی در این باره می گوید: «... یکی دو سال پس از اعدام افسران وابسته به حزب توده، آهنگ و شعر مرا بیوس در ذهن بسیاری از همکاران مجید مانده بود، از جمله پرویز یاحقی که آن را به شدت دوست می داشت. یک روز که اعضای ارکستر بزرگ رادیو در استودیو شماره ۸ جمع شده بودند و انتظار روح الله خالقی را می کشیدند، حسن گل نراقی به دیدار پرویز یاحقی آمد. حسن فرزند یکی از تجار معتبر بازار بود که با اکثر هنرمندان دوستی و رفاقت داشت... به هر حال وقتی گل نراقی سراغ یاحقی را می گیرد، او را به استودیو راهنمایی می کنند، در آنجا پرویز یاحقی با ویولن و یکی از نوازندگان با پیانو مشغول نواختن آهنگ مرا بیوس بودند.

پرویز که چشمش به گل نراقی می افتد، می گوید: به این آهنگ گوش بده، گل نراقی یکی دو بار به آهنگ گوش می دهد و آن را زیر لب زمزمه می کند و در این ضمن مسئول ضبط برنامه موسیقی که پشت دستگاه نشسته بود، دستگاه را به راه می اندازد و این قطعه را بی آنکه کسی متوجه شود، ضبط می کند. گل نراقی به دنبال کار خودش می رود و مسئول ضبط نوار ضبط شده را از طریق رئیس وقت رادیو برای معینیان سرپرست انتشارات و رادیو می فرستد. وقتی معینیان و سایر مسئولان به نوار گوش می دهند، تصمیم می گیرند که آن را پخش کنند و ماجرا را با پرویز یاحقی در میان می گذارند. پرویز می گوید: این کار برای گل نراقی گران تمام می شود، زیرا او از یک خانواده سرشناس مذهبی است و پدرش با کار های هنری به شدت مخالف است. قرار می شود گل نراقی را به اداره رادیو دعوت کنند و موضوع را با خودش در میان بگذارند. گل نراقی می آید و گفته های پرویز یاحقی را تایید می کند ولی به علت اصرار دوستان قبول می کند و نوار بدون ذکر نام و به نام مستعار «خواننده ناشناس» پخش می شود.

روزی که نوار از رادیو پخش شد، تهران یکصدا از آن آهنگ تازه حرف می زد. همه از یکدیگر می پرسیدند که این صدای گرم و دلنشین به چه کسی تعلق دارد؟ ولی تمام این سئوالات بی پاسخ مانده بود. هر کس حدسی می زد، حتی در میان کارکنان رادیو هم کسانی وجود داشتند که خبری از نام و نشان این خواننده تازه کار نداشتند. «۱۰ فرار حیدر رقابی و سکوت گل نراقی زمینه مساعدی را فراهم آورد تا تقارن پخش این ترانه از رادیو با اعدام نخستین گروه، این شایعه که عوامل توده ای آن را به راه انداخته بودند به باور بسیاری بیاید. گفته می شد: سرهنگ سیامک و یا سرهنگ میشری... هنگام تودیع با خانواده اش و قبل از رفتن به مقابل جوخه اعدام [شعر مرا بیوس] را سروده است. ۱۱...» در حقیقت شعر جنبه های انقلابی هم داشت و کلمات آن قابل تفسیر بود و مردم شعر را برای دیگران می خواندند و داستان ها می ساختند، در حالی که گل نراقی مات و مبهوت مانده بود و نمی دانست چه کند؟ «۱۲ سرانجام، با پیگیری «مجید دوامی» سردبیر مجله «روشنفکر» معلوم گشت خواننده ترانه «مرا بیوس» حسن گل نراقی است و مردم با چاپ عکس او بر روی مجله فوق، با چهره اش آشنا شدند، اما شاعر این شعر را کمتر کسی می شناخت.

آنچه که مسلم است، این است که رقابی شعر را برای نامزد دانشگاهی اش سروده و به او اهدا کرده بود. ۱۲ و با توجه به موقعیت آن روز خود و ترک اجباری و مخفیانه ایران، ای کاش کسی پیدا شود و بگوید آیا شعر قبل از سال های کودتا سروده شده، یا پس از کودتای ۲۸ مرداد و به هنگام اختفا؟ چنانچه بپذیریم او به هنگام فرار از ایران ۲۰ سال داشت ۱۴، قدری بعید است نظر خطیبی را بپذیریم که او این شعر را در سال ۱۳۲۹ در اختیار مجید وفادار گذاشته است، چرا که او در آن سال تنها ۱۶-۱۵ سال می توانست داشته باشد.

ایرج طیبی گیلانی، دوست صمیمی حیدرعلی رقابی، در مورد سن و سال وی می گوید: «با هاله شاعر جوان معاصر خوانندگان عزیز ما به خوبی آشنایی دارند، وی اکنون بیست و پنجمین بهار زندگی خود را طی می کند و در آمریکا به گذراندن دوره دکترای حقوق اشتغال دارد.» ۱۵ به این ترتیب می توان نتیجه گرفت: رقابی متولد سال ۱۳۱۰ و یا ۱۳۱۱ بود و در سال ۱۳۲۹ با هجده سال سن آن را سروده و یا در سال ۱۳۳۴ در سن ۲۳ سالگی آن را بر سر زبان ها انداخت. به یقین دوستان گل نراقی و رقابی می توانند به حل این معما کمک کنند و تلاش بنده در ارتباط با تماس با خویشان مرحوم رقابی متأسفانه به جایی نرسید و امیدوارم این عزیزان در این راه بنده را سرافراز کرده و پاسخ این سؤال را ارائه نمایند.

مرحوم رقابی، پس از ربع قرن سکونت در غرب و تبعید اجباری، سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی، به وطن بازگشت «... گروهی از همزمانش، در فرودگاه مهر آباد مقدم او را گرمی داشتند. او با يك دنیا امید و آرزو، بعد از ۲۵ سال مشقت و تحمل غربت، شاد و سرزنده، در حالی به وطن مراجعت کرد که بتواند به خدمات سیاسی و فرهنگی خود ادامه دهد. بنابراین در دانشگاه تهران سرگرم مطالعه و تحقیقات در زمینه کار های معوقه گردید. منتها اولیای دانشگاه از آنجا که او از آمریکا آمده بود، چندان توجهی به او نکردند و خاطرش را آزرده. در نتیجه به قدری غمگین و آزرده خاطر شد، که بعد از يك عمر تلاش و کوشش به خاطر وطن، گرفتار بیماری صعب العلاج سرطان گردید و بعد از مدتی توانفرسا، چشم از جهان بست و روی در نقاب خاک کشید.» ۱۶ «... پیکر او را به ابن بابویه بردند و در کنار مزار دهخدا و تختی و شمشیری که هر يك ارادت خاصی به دکتر مصدق داشتند به خاک سپردند.»

۱۷ سرنوشت گل نراقی نیز همچون رقابی بود. او در مهر ماه سال ۱۳۷۲ گرفتار فراموشی و تومور مغزی شد و به رغم تلاش پزشکان، تسلیم مرگ شد و به همراه ترانه اش، برای همیشه به ابدیت پیوست و جاودان شد و در امامزاده طاهر مهرشهر کرج به خاک سپرده شد. ۱۸ گل نراقی و رقابی هرگز ازدواج نکردند و بخشی از اموال مرحوم گل نراقی، به صورت موقوفه در اختیار آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک قرار گرفت و ساختمان هدایی آنان در ابتدای خیابان بهار شیراز، منشعب از میدان هفتم تیر، قرار دارد. ترانه «مرا بیوس» به هنگام اجرا توسط مرحوم گل نراقی، با اندکی تغییر اجرا شد و برای آن که خوانندگان عزیز، به یاد ایام گذشته، یادى از ترانه سرا، خواننده و آهنگساز کرده باشند، آن را تقدیم می دارم. شایان ذکر است، کلماتی که در پرانتز آورده شده، تغییراتی است که مرحوم گل نراقی به هنگام اجرا در آن به وجود آورده و چند بیتی را که نیز تکراری است، او از خواندن آن امتناع کرده است.

• بند یکم

مرا بیوس، مرا بیوس، برای آخرین بار، تو را خدا نگه دار که می روم به سوی سرنوشت / بهار ما گذشته، گذشته ها گذشته / منم به جست و جوی سرنوشت / در میان توفان، هم پیمان با قایقران ها / گذشته از جان باید بگذشت از توفان ها / به نیمه شب ها دارم با یاران (یارم) پیمان ها / که بر فروزم

آتش ها در کوهستان ها / (آه) شب سیاه، سفر کنم / ز تیره راه گذر کنم / نگه کن ای گل من / سرشک غم به دامن / برای من میفکن / مرا بیوس، مرا بیوس، برای آخرین بار / تو را خدا نگهدار، که می روم به سوی سرنوشت / بهار ما گذشته، گذشته ها گذشته / منم به جست و جوی سرنوشت / دختر زیبا، امشب بر تو مهمانم، در پیش تو می مانم / تا لب بگذاری بر لب من / دختر زیبا، از برق نگاه تو، اشک بی گناه تو / روشن سازد يك امشب من / مرا بیوس، مرا بیوس، برای آخرین بار، تو را خدا نگه دار / که می روم به سوی سرنوشت / بهار ما گذشته، گذشته ها گذشته / منم به جست و جوی سرنوشت

• بند دوم

ستاره مرد، سپیده دم، چو يك فرشته ماهم / نهاده دیده بر هم / میان پرنیان غنوده بود / به آخرین نگاهش، نگاه بی گناهش / سرود واپسین سروده بود / دید که من از این پس دل در راهی (راه) دیگر دارم به راه دیگر، شوری دیگر در سر دارم / ز صبح روشن باید اکنون (از آن) دل بردارم / که عهد خونین با صبحی روشن تر دارم (آه) / به روی او نگاه من / نگاه او، به راه من / فرشتگان زیبا، به ماتم دل ما / در آسمان هم آوا / ستاره مرد، سپیده دم چو يك فرشته ماهم / نهاده دیده بر هم / میان پرنیان غنوده بود / به آخرین نگاهش، نگاه بی گناهش / سرود واپسین سروده بود / دختر زیبا، همچون شبنم گل ها، با برگ شقایق ها / بنشین بر بال باد سحر / دختر زیبا چشمان سیه بگشا با روی بهشت آسا / بنگر خندانم بار دگر / مرا بیوس، مرا بیوس، برای آخرین بار / تو را خدا نگه دار / که می روم به سوی سرنوشت / بهار ما گذشته، گذشته ها گذشته / منم به جست و جوی سرنوشت. ۱۹.

پی نوشت ها:

۱ و ۲- خطیبی، پرویز، خاطراتی از هنرمندان، ص ۷۷، چاپ اول، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۰ و جعفری، عبدالرحیم، در جست و جوی صبح، جلد اول، ص ۳۷۲، چاپ اول، تهران، انتشارات روزبهان، بهار ۱۳۸۳.

نگارنده نیز به تواتر نام سرهنگ عزت الله سیامک را در این رابطه شنیده ام و به نظر می رسد خطیبی به رغم آن که تعلق خاطری به این حزب داشت، دچار اشتباه شده است.

۳- در جست و جوی صبح، ص ۳۷۱.

۴- خاطراتی از هنرمندان، ص ۷۶.

۵- ترقی، بیژن، از پشت دیوار های خاطره، ص ۷۷-۷۵، انتشارات بدرقه جاویدان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.

۶- رقابی، حیدر، شاعر شهر شما، کالیفرنیا، ص ۲۲، دی ماه ۱۳۴۸.

۷- از پشت دیوار های خاطره، ص ۷۷.

۸- شاعر شهر شما، ص ۲۰. مرحوم رقابی این یادداشت را در روز پنجشنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۴۴ در خارج از کشور نوشته است.

۹- این بخش از مقاله، با استفاده از کتاب ارزشمند «سازمان افسران حزب توده» نوشته محمد حسین خسروپناه صفحات ۲۰۷ الی ۲۲۵ تهیه شده است. تهران، انتشارات شیرازه، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۱۰- خاطراتی از هنرمندان، ص ۷۷.

۱۱- در جست و جوی صبح، ص ۳۷۲.

۱۲- خاطراتی از هنرمندان، ص ۷۷.

۱۳- از پشت دیوار های خاطره، ص ۷۷ و در جست و جوی صبح، ص ۳۷۲.

۱۴- از پشت دیوار های خاطره، ص ۷۷.

۱۵- شاعر شهر شما، ص ۲۱ و آن به نقل از مجله آشفته، شماره ۲۸، سوم مرداد ماه ۱۳۳۶.

۱۶- از پشت دیوار های خاطره، ص ۷۸.

۱۷ و ۱۸- در جست وجوی صبح، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.

۱۹- شاعر شهر شما، ص ۳-۲۲ و با استفاده از ترانه اجرا شده توسط مرحوم گل نراقی. گفتنی است این مقاله قبلاً به شکلی دیگر، توسط نگارنده، تحت عنوان «ترانه به یاد ماندنی» در «همشهری تهران» ضمیمه روزنامه همشهری به چاپ رسیده بود و در تهیه آن دوستان عزیزم، آقایان حسین شاه حسینی و عبدالرضا مانیان بسیار به کمک آمده بودند، که بار دیگر سپاس خود را تقدیم این عزیزان می نمایم.